

برجام نفتی



قطعه شعر زیر توسط پرویز جنتی محب، رییس اداره آموزش و امور فرهنگی حراست شرکت ملی نفت ایران بعد از پیروزی تاریخی کشورمان در نشست ۱۷۱ اوپک سروده شده است.

بشارت باد بر کشور و صنعت
 همان شهدی که حاصل شد ز «برجام»
 که شیرین گشت کام ما به شربت
 و آن چه در پی آن گشت انجام؛
 که از تأثیر آن ما می توانیم
 به هر جانف راصدر نماییم
 و آن هم نه به «پورسانت» اضافه!
 و یا حرف و حدیث و صد گزافه!
 پس از «برجام» حاصل شد به چاره -
 برای نفت، بر جامی دوباره؛
 اشارت هست بر «برجام نفتی»
 که یاد آمد در آن «گشتی تختی»
 که صنعت، با فرامین وزیرش
 به ناگاه زد حریفان را به زیرش
 نتیجه در «اوپک» آن گونه برخاست
 که صنعت را به طبعی تازه آراست
 و با یک «دیپلماسی» موفق
 در آن پیروزی ما شد موثق
 در این مقطع که کشورهای دیگر
 به کاهش کرده نفت خویش زیور؛
 خوشا ایران که با تدبیر نیکان
 رقم بخشید بر تولیدی جان
 «توافق» نفت را بالندگی داد
 به صنعت باز شور زندگی داد
 و «حقانیت» کشور رقم خورد
 چرا باید در این احوال غم خورد؟!
 که از این محمل شیرین؛ به شادی
 رسد کشور به «رشد اقتصادی»
 در این اوضاع و احوال سیاسی
 «توافق در اوپک» این رانشان است
 که قحطی آمده بر دیپلماسی
 عزیزان؛ برد زبایی چون این را
 که «مرد کهنه کار» ما جوان است
 بشارت مردم ایران زمین را

تصویر جلد
 شماره ۱۱۲
 شعل



ایشان، دغدغه و نگرانی در خصوص ارتقای ایمنی و کاهش آسیب پذیری صنعت نفت و گاز و پتروشیمی را احساس کرد. در اینجا لازم می دانم به تجربه و خاطرات جمعی بسیاری که در بدنه کارشناسان و مدیران پیشکسوت حوزه حراست قابل ملاحظه بود، اشاره کنم. افرادی که شاید وظیفه سازمانی آنها موضوع ایچ ای ای نیست، ولی با بروز سوانح متعدد، چه در دوران دفاع مقدس و چه بعد از آن و تا به امروز، در این زمینه لحظه لحظه زیسته اند و لازم است در قالب مدیریت دانش و مستندسازی تجربیات، حتما پای صحبت تک تک آنها نشست و با مکتوب و سازماندهی این تجربیات، دستورالعملها و محتوای آموزشی کاربردی فراوانی را برای نسل جدید همکاران این صنعت قدیمی و تاریخی در کشور به یادگار گذاشت.

در پایان، اگر مطلب ناگفته ای دارید، بفرمایید.

امروزه، این یک موضوع بدیهی تلقی می شود که آموزش از شروط اولیه پیشرفت و ثبات در هر سازمان و کشور است. به نظر من، در خصوص سازمانی چون صنعت پراهمیت نفت، این ضرورت دوچندان می شود. مهم این است که باور داشته باشیم فرصتی که امروز برای آموزش هر یک از کارکنان و همکاران این صنعت و با هر سازمان دیگر در سطوح مختلف صرف می کنیم، سرمایه گذاری برای فردای میهن و فرزندان ما است. آموزش امروز می تواند منجر به کاهش رفتارهای اشتباه و شاید پرخطر در محل کار، جامعه و به خصوص منزل شود. آموزش صحیح و مستمر کارکنان و مشارکت آنها در آینده های برنامه ریزی آموزشی و پیاده سازی آموخته های می تواند سرمایه گذاری بلند مدت فردی، سازمانی و ملی محسوب شود. اجرای مستمر این گونه اقدامات که در حال حاضر در حوزه HSE شاهد آن هستیم، به صورت صحیح و براساس نیازسنجی و پیش و ارزشیابی استاندارد می تواند فرصتی بیشتر سرمایه های انسانی به شمار آید. نباید آموزش ایمنی و شرایط اضطراری و اصول پدافند غیرعامل را تنها محدود به کادر و کارشناسان و متخصصین موظف این واحدها دانست؛ بلکه با آموزش و توسعه دانش در بین تمام بدنه سازمان، می توان امیدوار بود که تمام سازمان و جامعه، باریگر و ترویج گر رویکرد و اندیشه HSE باشند. به امید روزهای بدون حادثه و سرشار از ایمنی، سلامت و بهداشت برای همه زحمات کشان صنعت نفت، گاز و پتروشیمی کشور عزیزمان.

در پایان با مصرعی حرف هایم را به پایان می رسانم؛ امید که روزی این بیت زیبا، مبین اهمیت و ضرورت امر آموزش در همه جای کشور عزیزمان ایران شود:
 «... هر که آگه تر بود جانش قوی است»

نظر بگذرانیم، می توانیم به وضوح، لزوم آموزش تمامی کارکنان شاغل در این صنعت (چه در واحدهای ستادی و چه صف) را احساس کنیم؛ خوشبختانه این مهم، به درستی توسط مدیران ارشد صنعت نفت تشخیص و ضرورت اجرای آن، ابلاغ شده است. نباید فراموش کنیم، آموزش، اساس ایمنی و جزء جدایی ناپذیر استاندارد و موضوعی است که در قالب مهمترین شرط و اصل در آمادگی و کاهش مخاطرات، همیشه و همه جا از آن یاد می کنند.

واکنش فراگیران به برگزاری این قبیل دوره ها را چگونه دیدید؟

حداقل در خصوص دوره هایی که به عهده من بود، باید بگویم این دوره ها شاید برای برخی مدیران مجموعه حراست به عنوان یکی دیگر از تجربیات آموزشی در حوزه مدیریت شرایط اضطراری قلمداد می شد؛ ولی تا جایی که بنده مطلع شدم، برای بیشتر کارشناسان واحدهای مختلف حوزه حراست، اولین دوره آموزشی تخصصی در این زمینه محسوب می شد؛ به طوری که از لحظه اول تا انتهای کلاس ها، پرسش های زیاد و پیشنهادهای و انتقادهای متعددی را همه با هم بحث می کردیم و سعی داشتیم پاسخ درستی هم برای آنها بیابیم. اولین و مهمترین موضوع، اشتیاق و علاقه مندی وافر در برخی بانوان برای ایفای نقش پررنگ تر در این حوزه تخصصی بود. در کنار کارشناسان جوانی که می شد در چشم ها، کلام و رفتار



حداقل در خصوص دوره هایی که به عهده من بود، باید بگویم این دوره ها شاید برای برخی مدیران مجموعه حراست به عنوان یکی دیگر از تجربیات آموزشی در حوزه مدیریت شرایط اضطراری قلمداد می شد؛ ولی تا جایی که بنده مطلع شدم، برای بیشتر کارشناسان واحدهای مختلف حوزه حراست، اولین دوره آموزشی تخصصی در این زمینه محسوب می شد؛ به طوری که از لحظه اول تا انتهای کلاس ها، پرسش های زیاد و پیشنهادهای و انتقادهای متعددی را همه با هم بحث می کردیم و سعی داشتیم پاسخ درستی هم برای آنها بیابیم